سازمان انقلابی افغانستان
۲۴.۰۲.۱۰

تحلیل طبقات جامعهٔ افغانستان

به ادامهٔ گذشته:

۵– بخش خدمات:

این بخش شامل خدمات دولتی و خصوصی می باشد.

خدمات دولتی:

تعداد کارمندان دولت در مجموع ۳۲۹۹۱۱ نفر می باشد (درین تعداد نیروهای مسلح و امنیت ملی شامل نیستند) که از جمله ۸۸۱۳۵ نفر پرسونل خدماتی و ۵۸۶۴ کارگر اند که با معاش بسیار کم کار می کنند. در میان کارمندان دولتی که ۲۳۵۹۱۴ نفر را در بر می گیرد، وزراء، معینان، رؤسای عمومی، وکلای هر دو بخش پارلمان، جنرالان اردو و پولیس، والی ها، معاون والی ها، قومندانان زون ها و قوماندانان امنیه، سفراء و بروکرات های داخل ارگ و وزیر مشاوران جمله دو درصد یا ۶۷۰۰ نفر را در بر می گیرد. اینان کارگذاران اصلی اشغالگران اند که در جهت کوبیدن میخ اشغال در کشور ما کوشیده، وطنفروشان اصلی اند، اما کارمندان دیگری که با شرایطی به شدت دشوار زندگی دارند و از وضعیت موجود ناراضی اند، جزئی از طبقهٔ خرده بورژوازی به حساب می آیند.

بخش خصوصی:

در بخش خصوصی؛ معارف، خدمات پسته رسانی، خدمات برق رسانی و ترمیم، خدمات صحی، خدمات لوجستیکی و ترانسپورتی، ورکشاپ ترمیم موتر و کرایه دهی، خدمات گاز رسانی، خدمات امنیتی، خدمات توریستی، انستیتوت های تحقیقاتی، رستوران ها و هوتل ها، خدمات تکنالوژی معلوماتی و مطبوعات شامل اند. در هشت سال گذشته درین بخش بیش از ۳۷ درصد سرمایه گذاری شده که بیشترین بخش سرمایه گذاری خارجی و داخلی را درین مدت در کشور ما نشان می دهد.

مکاتب و پوهنتون های خصوصی:

در حال حاضر ۲۳۷ مکتب خصوصی در افغانستان فعال اند که برخی از سرمایه گذاری های آن به وسیلهٔ سرمایه گذاران داخلی صورت گرفته است. هر مکتب به طور اوسط دارای ۶۰ نفر پرسونل (اعضای اداری، معلم، خدمه، گارد و دریور) می باشد و ازین طریق بیش از 16100 نفر بهره کشی شده، این بخش حیثیت کارگران یخن

سفید را دارند. همچنان ۲۲ مؤسسهٔ تحصیلات عالی خصوصی با ۷۲ رشته در افغانستان فعالیت دارند. به طور اوسط در هر یک آن حدود ۱۰۰ نفر کار می کنند که جمله کارمندان آن به ۲۲۰۰ نفر می رسند.

کلینک های خصوصی:

همچنان درین مدت در کابل ۸۴ و در ولایات ۶۸ کلنیک که جمله ۱۵۲ کلنیک بستردار می شود، با پول سرمایه داران داخلی، ایرانی، هندی، فرانسوی، پاکستانی و ترکی به کار مصروف اند. برخی ازین شفاخانه ها شاخه ای از شفاخانه های خصوصی در کشورهای نامبرده اند که علاوه بر بهره کشی خود شان، مریضان پولدار را به کشورهای خود می فرستند و در شفاخانهٔ مادر کشورهای خود تداوی می نمایند و به این صورت علاوه بر این که این شفاخانه ها خود پول به جیب می زنند، حیثیت بازاریابی برای شفاخانه های مادر را هم دارند. درین بخش ۲۰ شفاخانه درخواست اخذ راجستر نموده که تا حال جواز نگرفته و کار شان آغاز نشده است. این شفاخانه ها نسبت به شفاخانه های دولتی با قیمت های بالا به تداوی مصروف اند و نسبت به دولت خدمات نسبتاً بهتری را ارائه می دارند. در مجموع پرسونل این بخش (داکتر، نرس، اداری، دریور، گارد و ملازم) به 14000 نفر می رسند. به جز ۵ درصد یا ۶۰۰ نفر مالکان و داکتران این شفاخانه ها که یا معاش زیاد می گیرند و یا در شفاخانه سهم دارند، تمام پرسونل به کار شاقهٔ شباروزی مصروف بوده و به بدترین شکلی استثمار می شوند. اینان نیز کارگران یخن سفیدی اند که معاش نسبتاً بالاتر از پرسونل خدماتی دولتی دارند.

بخش رسانه ها:

درین بخش که ۲۱ چینل تلویزیونی، ۱۰۰ رادیو و ۳۰۰ روزنامه، هفته نامه، ماهنامه، گاهنامه و مجله با ۵ آژانس خبری در افغانستان فعالیت دارند؛ دو چینل تلویزیونی (ملی و تعلیمی)، یک رادیو و حدود ۵۰ نشریه و مجله دولتی اند و تمام رسانه های دیگر با سرمایه خصوصی به کار اشتغال دارند. این نشرات که ۹۰ درصد اعلانات را در اختیار دارند و از پول های «کمکی» اشغالگران و کشورهای همسایه مخصوصاً ایران (این کشور تلاش دارد تا این بخش را بیشتر به وسیلهٔ مزدوران و جاسوسان خود فعال نگه دارد) کمک پولی می شوند. فقط دو درصد سران این رسانه ها با استثمار کارکنان (گزارشگران، فلمبرداران، عکاسان، گویندگان، ترینران، پرودیوسران، تخنیکران، دیزاینران، دریوران، ملازمان و محافظان امنیتی)، پول هائی که از اعلانات به دست می آورند، فندهائی که از «دوستان دونر» شان کسب می نمایند و با پول هائی که از باداران شان می گیرند، چرخ کار را به گردش آورده و با کارکنان چون نوکران زیردست برخورد کرده، مخصوصاً گزارشگران که در شرایط بسیار دشواری کار می کنند و با تهدید روبرو اند، معاش نه چندان بالائی دارند. اینان نیز کارگران یخن سفیدی اند که به نحوی با چرخ های تجارت و صنعت در ارتباط قرار دارند.

در افغانستان در مجموع در رسانه های همگانی حدود ۸۰۰۰ نفر مصروف کارند و استثمار می شوند. علاوه بر رسانه ها، کمپنی هائی چون سیاره میدیا (خارجی)، آلتای (خارجی)، میدیا کام (خارجی)، لیپس (داخلی)، ستینا گروپ (داخلی)، کاپول (داخلی)، انترنیوز (خارجی)، انسایت میدیا (خارجی)، ریچ (داخلی)، هنر هفتم (داخلی)، ویژن (داخلی) و ستار گروپ (داخلی) نیز در افغانستان فعالیت دارند که کار شان تهیهٔ اعلانات و توزیع اعلانات به رسانه ها می باشد. درین میان نی (داخلی) و او اس آی (خارجی) دو کمپنی کمک کنندهٔ رسانه ها اند. اف کی اچ (خارجی) کمپنی تهیه اعلانات تلویزیونی و ترای ویژن (خارجی) کمپنی تهیه کنندهٔ ویب سایت و تولید و توزیع کنندهٔ اعلانات می باشند و امپکس (خارجی) کمک به رسانه ها می باشد. این کمپنی ها هیچکدام بدون رابطهٔ خارجی نیستند و برای خارجی ها چون دلال نیز کار می کنند.

بخش برق:

در ولایات، شرکت های خصوصی برق رسانی (این کار در ولایات و آنهم در اطراف شهرها بیشتر وجود دارد و سرمایه داران کوچک با نصب دستگاه های تولید برق حرارتی علاوه بر استثمار حدود ۲ تا ۱۰ کارگر، در مناطق خاصی برق شان را فی کیلووات پنجاه افغانی یا یک دالر نیز به فروش می رسانند، در حالی که برق دولتی در پایتخت کیلو وات یک و نیم افغانیست)، در کنار د افغانستان برشنا شرکت مصروف فراهم نمودن برق اند. درین زمینه چند شرکت تولید برق کمپنی های بزرگ امپریالیستی نیز در افغانستان سرمایه گذاری کرده که مشهورترین آن پروژه برق خصوصی ده سبز می باشد. درین پروژه حدود ۷۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند.

آمار سال ۲۰۰۷ نشان می دهد که در افغانستان ۱۲ دستگاه تولید برق آبی وجود دارد که در آن ها ۳۲۲۰ نفر کار می کنند. اما در مجموع در بخش تولید دولتی و خصوصی برق بیش از ۷۰۰۰ نفر کار می کنند.

بخش کمپنی های امنیتی:

این بخش یکی دیگر از ابزار خدماتی استثمارگران به حساب می آید. این کمپنی ها زمانی ایجاد شدند که قوانینی از سوی سازمان ملل و کنوانسیون های آن جهت جلوگیری از تخلف های «حقوق بشر» به میان آمد. زیرا آن قواعد برای ارتش ها مطرح گردید و امروز کشورهای امپریالیستی ازین کمپنی ها در خدمت استعمار کار می گیرند. در عراق ده هزار تن از افراد کمپنی های خصوصی در جنگ فعالیت دارند و متجاوزان امریکایی بیشترین جنایات شان را به وسیلهٔ آنان انجام می دهند. در افغانستان 26 کمپنی داخلی که ۶۳۲۵ نفر داخلی و ۳۷۷ نفر خارجی د ر اختیار دارند و ۲۶ کمپنی خارجی که ۱۱۳۵۳ نفر داخلی و ۴۴۱۸ نفر خارجی در اختیار دارند؛ وجود دارد. به این صورت جمع افغان هائی که درین نیروها سهیم اند، ۱۷۶۸۰ نفر و خارجی ها ۴۷۹۵ نفر می باشند. افراد خارجی این کمپنی ها اکثراً از سربازان سریلانکائی، بنگله دیشی، نیپالی وغیره تشکیل شده است، این در حالیست که چند کمپنی خارجی تا حال راجستر نشده و به زور خود به این کار دست می زنند. این کمپنی ها برای افراد خود ماهانه ده هزار افغانی معاش می پردازند، در حالی که از هر سربازی که جهت محافظت مؤسسات و خدمات دیگر اعزام می کنند، حداقل پنجصد دالر اخذ می دارند. اما در کار انتقالات کمپنی ها پول های فوق العاده زیادی را تصاحب می شوند. این بخش بیش از بیست هزار افغان را استثمار می کند. کمپنی ها برای محافظت در افغانستان ۲۰ درصد عاید شان را می پردازند، در حالی که در کشورهای دیگر، این پرداخت یک تا دو درصد را در بر می گیرد.

بخش مین پاکی:

درین بخش مصارف زیادی در چند سال گذشته صورت گرفته است. کار آن عموماً زیر نظر سازمان ملل متحد صورت می گیرد. گفته می شود که در افغانستان درین سی سال ده ملیون مین پخش شده است و همین اکنون هر ماه ۳۰ نفر با اصابت مین جان های شان را از دست می دهند. با اینکه درین بخش نیز مثل تمام بخش ها در افغانستان، خارجی ها و داخلی ها دست به فساد می زنند، اما کارگرانی که درین بخش کار می کنند، همیشه در معرض خطر قرار دارند و تا حال بیش از صد تن از هموطنان ما درین کار کشته شده، بگذریم ازینکه عده ای از آنان به وسیلهٔ طالبان نیز ربوده شده اند. کار مین پاکی توسط سازمان ملل اداره شده و برای انجوها و کمپنی ها به اجاره داده می شود. درین بخش در مجموع ۱۵ انجو و ۱۰ کمپنی به کار مصروف اند و یکی از پروژه های بسیار سودآور به حساب می آید که جمعاً در آن ها حدود ۹۰۰۰ نفر مصروف کار می باشند که حدود ۸۰۰۰ نفر آنان در شرایط دشوار کارگری قرار دارند. با اینکه مزد این کارگران نسبت به بخش های دیگر تا حدی خوب می باشد، اما مشکلاتی که در گرما و سرما در دشت ها و کوه ها و زیر خیمه با آن روبرو اند، زندگی شان را به مراتب دشوار

ساخته است. آنان به طور مداوم مسافر اند و با خطرات جانی و تهدید طالبان روبرو می باشند.

انجوها:

در افغانستان بالاترین درآمد را انجوها دارند و **«هیچ انجوئی نیست که دم آن زیر پای جاسوسان غربی نباشد».** در افغانستان حدود ۱۹۵۰ انجو رسمی می باشد که تمام آن ها پر از دزدی و فساد است. مسؤولان آن ها همه بلا استثناء در خدمت پیاده نمودن اشغال کشور ما قرار دارند و از نهادهای وطنفروش به شمار می روند. جمله افراد داخلی که با این انجوها کار می کنند، حدود ۱۴۰۰۰ نفر را در بر می گیرد. انجوهای خارجی که تعداد آن ها کمتر است، بیشتر پول های غربی را چپاول می کنند. اینان کارهای خاصی را اجاره کرده و از گاو غدود آن را نشان می دهند و بقیه را به جیب می زنند. این انجوها با خارجی ها دهن جوال را می گیرند و از حضور سایهٔ خارجی ها در افغانستان «شکر» می کشند. سران این انجوها از درآمدهای گسترده و وسیعی برخوردار می باشند که در قطار بورژازی کمپرادور قرار می گیرند.

۶- بخش صنعت مخابرات:

مخابرات، کمپنی های موبایل، نصب وسایل و تجهیزات مخابراتی:

در افغانستان در مجموع ۱۰.۶ ملیون نفر به موبایل و تلیفون های لینی دسترسی دارند و جمع سرمایه گذاری ها درین بخش بیشتر از ۱۲۳۶ ملیون دالر می باشد که سرمایه گذاری کلانی را نشان می دهد.

سرمایهٔ افغان بیسیم که اولین شبکه تیلفون موبایل در افغانستان است، در آغاز ۶۰ ملیون دالر بود و در حال حاضر سرمایهٔ آن به ۳۰۰ ملیون دالر می رسد. این کمپنی که وابسته به دیکچینی معاون رئیس جمهور قبلی امریکاست، بیات و امین رامین را به عنوان دو کمپرادور با خود داشته و هر کدام در آن سهم کوچکی دارد. در عواید این کمپنی برای ۱۵ سال، دولت افغانستان نیز ۲۰ درصد سهیم می باشد.

روشن دومین کمپنی مخابراتی است که با سرمایه یک کمپنی انگلیسی در افغانستان کار را شروع کرد و اکنون سرمایه آن به ۳۹۰.۴ ملیون دالر می رسد که در آن به صورت مستقیم ۱۱۱۴ نفر و غیر مستقیم ۲۵۰۰۰ نفر کار می کنند. این کمپنی ۶ درصد عواید دولت را از طریق مالیه دهی مرفوع می سازد.

علاوتاً کمپنی های ام تی ان و اتصالات نیز در افغانستان فعالیت دارند که ام تی ان یک کمپنی امریکائی–عربی می باشد و در مدت کم رشد بسیاری نموده است، و اتصالات تا حال قادر به نفوذ بسیار در جیب های مردم نشده است. شرکت افغان تیلیکام یک شرکت دولتی است که تا حال قادر به رقابت با چهار شرکت خصوصی با سرمایه های امپریالیستی نشده است. در تمام این کمپنی ها که به صورت مستقیم و غیر مستقیم کار میکنند، حدود ۸۰۰۰۰ نفر (خدمهٔ دفاتر، گاردها، کارگران تخنیکی، کارگران برق، محافظان سایت ها، کارت فروشان کنار جاده ها) استثمار می شوند.

علاوه بر این شبکه ها که به مکیدن خون مردم افغانستان مصروف اند، مؤسسهٔ امریکائی اترا که فریکونسی های مخابراتی را برای شبکه های مخابراتی و رادیوها تعیین می کند، در حقیقت کنترول کار این شبکه ها را زیر نظر دارد. علاوتاً گروپ مشورتی آسیا که در آن حدود ۱۸۰ نفر مصروف کارند، نیز در بخش مخابرات کار می کند. این کمپنی پایه های مخابراتی را نصب کرده و به طور اجاره در خدمت این شبکه ها قرار می دهد.

۷- بخش زراعت:

بند و انهار، تهیه تخم و کود، وسایل و ابزار زراعی وغیره:

در چند سال اخیر که کمپنی های امپریالیستی در بخش های مختلف سرمایه گذاری کرده، کمترین توجه شان به زراعت بوده، چون از یک طرف می خواهند افغانستان را به یک جامعهٔ مصرفی مبدل سازند و از سوی دیگر سرمایه گذاری بر بخش زراعت به زودی سودآور نیست و همچنان دهات افغانستان بیشتر ناآرام بوده، این کمپنی ها تمایلی به رفتن به دهات ندارند. به این خاطر درین بخش از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ فقط ۴ درصد سرمایه گذاری شده است و بانک ها برای این بخش فقط ۱.۷ درصد قرضه داده است. زراعت بدوی که با ابزار عقب ماندهٔ فیودالی در افغانستان صورت می گیرد، در فصل گذشته ارزیابی شد، اما درین جا به بخش ابزار ماشینی می پردازیم.

نفوذ ماشین های زراعی (تراکتور، تریشر، دوپال، سه پال، نه پال، جوکش، بلدوزر، واترپمپ و ماشین های چاه کنی) در سی سال گذشته در افغانستان زیاد شده و برخی از دهقانان با تولید ماشینی به کارگر زراعی مبدل شده اند. درین بخش که ۲۷۲۰۰ تراکتور مصروف کار است و به صورت مستقیم ۲۷۲۰۰ کارگر زراعی روی آن ها کار می کنند، این تعداد با مستری ها به ۳۰۰۰۰ نفر می رسد، اما کار واترپمپ را خود دهقانان انجام می دهند.

۸ - بخش صنعت سرکسازی:

در پلان اول بازسازی امپریالیست ها در کنفرانس بن که بازسازی سرک، برق و آب به ترتیب مدنظر گرفته شده بود، بیشترین سود را کمپنی های خارجی ازین صنعت به جیب زده اند. از جائی که شرکت ها و کمپنی های داخلی نه از نظر ظرفیت کاری و نه وسایل کار، توانائی ساختن سرک های طویل و شاهراه ها را ندارند، لذا بیشترین سرکسازی ها را کمپنی های خارجی از درک کمک دونرها انجام دادند. کمپنی سرکسازی «کتل» که به بوش و دیکچینی بسیار نزدیک بود و در عراق و افغانستان به پول های بسیاری رسید، بیشترین پروژه های سرکسازی را در افغانستان اجاره کرده و بعد به کمپنی های کوچکتر با نرخ ارزانتر به فروش میرساند. چند کمپنی امریکائی دیگر نیز مصروف چنین «تجارتی» در افغانستان است. کمپنی های ترکی «یوکسل» و «لمک» با سه کمپنی کوچکتر ترکی کارهای زیادی را در افغانستان انجام داده و سودهای فراوانی را به جیب زدند. یک کمپنی چینی، یک کمپنی پاکستانی، یک کمپنی ایرانی و یک کمپنی هندی نیز به قیمت بسیار بالا سرکسازی های افغانستان را در داوطلبی هائی که از سوی کمک کننده ها مخصوصاً امریکائی ها صورت می گرفت، برده و به این صورت بسیاری از پول های این بخش را به جیب زدند. سه کمپنی هندی، ایرانی و پاکستانی سرک هائی را با پول هائی ساختند که کشورهای شان به بازسازی افغانستان کمک کرده بودند، مانند سرک های اسلام قلعه- هرات؛ میلک- زرنج و میل ۷۵- شهر فراه. کمپنی پاکستانی که سرک تورخم- جلال آباد را ساخت و کمپنی هندی که سرک زرنج- دلارام را زیرسازی و قیرریزی کرد. کمپنی های امریکائی جاده ها را فی کیلومتر ۴۰۰۰۰۰ دالر به اجاره می گرفتند که بیشترین پول از طریق کار شاهراه کابل- کندهار- هرات به جیب این کمپنی ها ریخته شد. کمپنی چینی جادهٔ کابل- جلال آباد؛ کمپنی ترکی شاهراه کابل- کندهار؛ کمپنی هندی جادهٔ کندهار-هرات؛ و همچنان ترک ها تونل سالنگ را بازسازی کردند و اکنون کار بر جادهٔ حلقه ئی و جادهٔ تخار- بدخشان ادامه دارد. چون این کمپنی ها انجنیران و کارگران فنی کشورهای خود را وارد افغانستان کرده بودند، لذا کارهای شاقه را کارگران افغان انجام داده، کمترین پول را دریافت می نمودند. این در حالیست که هفتصد کمپنی سرکسازی در افغانستان وجود دارد که به صورت مختلط کارهای جاده سازی و ساختمانی را اجاره می کند. کار این شرکت ها بسیار

کوچک بوده و توان زیرسازی و قیرریزی جاده هائی بیش از سی کیلومتر را ندارند. شرکت های ساختمانی و سرکسازی در افغانستان عموماً به صورت مختلط کار می کنند و شامل همان ۸۰۰ شرکتی است که در بخش ساختمانی تذکر داده شد.

۹ـ بخش صنعت معدن:

در مجموع ذخایر زیر زمینی افغانستان که توسط ناسا ارزیابی شده است و بدخشان و هلمند در آن دخیل نیست، ۵۰۰ هزار ملیارد دالر ارزش دارد، اما بسیاری به این باورند که این ارزش را امریکائی ها از اصل آن بسیار پائین تر نشان داده اند. در افغانستان ۱۴۰۰ ذخیرهٔ معدنی وجود دارد که برخی از آن ها توسط زورسالاران و یا خارجی ها استخراج می گردد. معدن مس عینک که یکی از بزرگترین معادن مس جهان است، به کمپنی ام سی سی چینی در بدل سه ملیارد دالر فروخته شده و کار استخراج آن در حال شروع شدن است که با پیشرفت کار آن بیش از ده هزار کارگر درین تولید مصروف کار خواهند شد، اما حال که ۷ ماه می شود، هنوز کار آن آغاز شده، فقط ۳۲۰ نفر در آن کار می کنند.

انگلیس ها بدون هیچ پرداختی یورانیوم خانشین را استخراج می کنند. دفتر فروش گاز و نفت افغانستان در اسلو قرار دارد و گفته می شود که افغان ها ظرفیت فروش گاز و نفت خود را ندارند. معدن زغال سنگ کرکر و دودکش که کمپنی AIC آن را از دولت خریده و در آن ها حدود ۵۰۰ کارگر مصروف کار اند و استخراج آن که ظاهراً برای تولید انرژی ماشین های سمنت سازی پلخمری که مربوط همین کمپنی است، اختصاص یافته، اما زغال سنگ استخراجی این دو معدن به پاکستان صادر می گردد. معادن لاجورد، بیروج و زمرد نیز در نورستان، پنجشیر و بدخشان به صورت غیر فنی استخراج می گردد. تنها در کنر و نورستان حدود ۲۰۰۰ گروپ که در هر گروپ حداقل پانزده نفر مصروف کار اند، به استخراج بیروج و سنگ های قیمتی دیگر چون یاقوت، زمرد و لاجورد مصروف کار می باشند. معدن زغال سنگ کوتل سبزک هرات که به شرکت خصوصی خوشک فروخته شده، در آن بیش از ۵۰۰ کارگر کار می کنند. استخراج سنگ مرمر از هاموری هلمند طی سال های اخیر به پیمانهٔ وسیعی صورت می گیرد و در آن بیش از ۵۰۰ نفر کار می کنند و به زودی معدن آهن حاجی گک نیز به فروش خواهد رسید. به این صورت به صورت منسجم و متفرقه بیش از ۳۰۰۰۰ نفر درین معادن کار می کنند، اما کار بسیاری آنان فصلی می باشد و نمی توان این تعداد را در طول فصل سال به حساب آورد که درین صورت تعداد این کارگران به ۱۱۰۰۰ نفر می رسد و سرمایه گذاران و مدیران این بخش ۵ درصد کارکنان آن را می سازند. تولید گچ، سنگ مرمر، نمک و زغال سنگ در ۲۰۰۷ به ترتیب ۱۳ ملیون تن، ۳۱ ملیون تن، ۱۲۳ ملیون تن و ۲۴۲ هزار تن بوده است. ۱۱۰۰ نفر در سه بخش گچ، نمک و سنگ مرمر کار می کنند.

در مجموع ارزیابی مالکان و مدیران این بخش ها، کارگران فنی، کارگران ساده، کارگران یخن سفید و ماموران در جدول زیر نشان داده می شود:

شماره	رشته کاری	مالکان و مدیران	ماموران	خدمه	کارگران فنی	کارگران ساده
۱	ترابری هوایی	۳۵۰	۴۹۵۰	۷۰۰	۱۰۰۰	۴۰۰۰

۲	ترابری زمینی	۸۰۰	۶۰۰	۵۰۰	۱۳۵۰	۱۷۵۰
۳	ساختمانی	۲۴۰۰	۲۴۰۰	۸۰۰	۸۰۰۰	۱۵۶۰۰۰
۴	بانک ها	۲۲۱	۵۰۰۰	۷۵۰		
۵	شهرک صنعتی هرات	۶۰۰	۱۰۰۰	۸۰۰	۵۰۰۰	۱۳۰۰۰۷
۶	شهرک صنعتی کابل	۷۵۰	۵۰۰	۵۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۷	شهرک صنعتی مزار	۱۰۵	۱۴۰	۶۴۰	۱۳۰۰	۱۷۰۰
۸	شهرک صنعتی کندهار	۲۰۰	۲۰۰	۲۵۰	۱۰۰۰	۱۸۰۰
۹	شهرک صنعتی جلال آباد	۲۰۰	۲۵۰	۲۹۰	۱۰۰۰	۸۰۰
۱۰	صنعت کندز	۱۰۰	۱۰۰	۳۰۰	۶۰۰	۲۰۰
۱۱	تولید دیگ بخار	۳۵	۷۰	۴۹	۴۹۵	
۱۲	دوا سازی	۱۵	۲۰	۲۰	۲۰۰	
۱۳	سمنت و زغال	۷۰	۲۵۰	۳۰	۵۰۰	۱۵۰
۱۴	مرغداری	۱۵۰		۳۰	۸۰۰	۱۹۰۰
۱۵	چاپخانه	۵۰۰	۷۱	۷۱	۳۵۰	۲۵۰۰
۱۶	صنایع دیگر	۱۰۰۰			۳۰۰۰	۸۰۰۰
۱۷	مکاتب خصوصی	۱۰۰۰	۱۳۵۰۰	۱۶۰۰		
۱۸	تحصیلات عالی خصوصی	۸۸۰	۱۱۰۰	۲۲۰		
۱۹	کلنیک های خصوصی	۶۰۰	۱۲۴۰۰	۱۰۰۰		
۲۰	رسانه ها	۸۵۰	۶۴۵۰	۷۰۰		
۲۱	برق	۵۰۰		۵۰۰	۴۰۰۰	
۲۲	مین پاکی	۹۰۰	۱۸۰۰	۹۰۰	۵۴۰۰	
۲۳	مخابرات	۲۰۰۰	۳۵۰۰	۸۰۰۰	۱۵۰۰	۶۵۰۰۰
۲۴	زغال شرکت کوشک	۲۰	۳۰		۲۰۰	۲۲۰
۲۵	معادن سنگ قیمتی	۱۰۰۰			۶۰۰۰	۴۰۰۰
۲۶	گچ، نمک وغیره	۲۰۰	۴۰	۱۲۰	۸۰	۶۶۰
۲۷	کمپنی های امنیتی	۲۶۰	۱۷۰۰	۱۵۸۲۰		
۲۸	انجوها	۶۰۰۰	۴۰۰۰	۲۴۰۰		
	مجموع	۲۱۷۰۶	۶۰۰۷۱	۳۶۸۹۰	۴۲۷۷۵	۲۶۵۱۸۰

۲۹- در دولت نیز ۶۷۰۰ نفر در رأس امور، ۲۳۵۹۱۴ نفر معلم و مامور پائین رتبه، ۸۸۱۳۵ نفر پرسونل خدماتی و ۷۲۰۰ نفر کارگر فنی مصروف کار اند.

به این حساب در کشور ما در مجموع :

۱- مالکان کارخانه ها و شرکت های خصوصی و سران دولت که اکثر شان نماینده بورژوازی کمپرادور اند ، تعداد شان به ۲۸۴۰۶ دفتر می رسد.

۲- تعداد معلمان و ماموران پائین رتبه که بیشتر آنان در بخش خصوصی چون کارگران یخن سفید استثمار می شوند و معاش شان از سه تا ۲۰ هزار افغانی است، تعداد شان به ۲۹۵۹۸۵ نفر می رسد.

۳- پرسونل خدماتی که شبیه به کارگران ساده اند و کارهای شاقه را انجام می دهند، ماهانه از سه تا شش هزار افغانی معاش دارند. تعداد این بخش به ۱۲۵۰۲۵ نفر می رسد.

۴- کارگران فنی که در بخش دولتی و غیر دولتی کار می کنند و روزانه از ۵ تا ۱۵ هزار افغانی معاش می گیرند، تعداد شان به ۴۹۹۷۵ می رسد.

۵- کارگران غیر فنی که در کارخانه ها و ترابری ها کار می کنند، اما مستقیماً با ماشن سروکار ندارند، تعداد شان به ۲۶۵۱۹۰ نفر می رسد.

۶- علاوتاً تعداد کارگران زراعی در کشور ما به ۳۰۰۰۰ نفر می رسد که در بخش ده نشینان محاسبه شدند.

۷- تعداد تاجرانی که در مجموع در سراسر کشور ما به کار مصروف اند، به ۳۰۰۰۰۰ نفر می رسد و اگر تعداد صنعت کاران که در بالا ذکر گردید، از این تعداد جدا شوند (بدون آن عده که در رأس دولت قرار دارند) و عموماً جزء تاجران هم می باشند، تعداد تاجران در کشور ما به ۲۷۸۲۹۴ نفر می رسد.

درین صورت مجموع تاجران، صنعت کاران، گارگران ماهر، کارگران غیر ماهر، ماموران پائین رتبه و کارگران یخن سفید به ۱۰۴۲۸۷۵ نفر می رسد، چون هر خانواده به طور اوسط پنج نفر می باشد، لذا تعداد این افراد به ۵۲۱۴۳۷۵ نفر می رسد. در بخش مناسبات دهات محاسبه کردیم که ۱۸ ملیون نفر در دهات زندگی می کنند، حال می بینم که کارگران فنی، کارگران ساده، تاجران، سرمایه داران تولیدی، ماموران ومعلمان (به عنوان بخشی از خرده بورژوازی) حدود پنج ملیون و دو صد هزار نفر را می سازند که عموماً در شهرها زندگی می کنند و جمله ۲۳ ملیون نفوس کشور را می سازند، اما دو ملیون باقیمانده، اهل حرفه که بخشی دیگری از خرده بورژوازی را می سازند، نفوس ۲۵ ملیونی کشور را تکمیل می سازند.